

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپایان

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳

صفحه ۱۴۵ تا ۱۶۶

## واکاوی جایگاه حقوق خانواده در دو نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و کانادا

قاسم پورایمان/دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران  
سلیمان ولی زاده/استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران(نویسنده مسئول)  
samanvalizadeh1aw@gmail.com

مظفر باشکوه/استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

### چکیده

بحث بر سر حقوق زنان در حوزه‌های فردی و عمومی همواره یکم، از موضوعات بحث برانگیز در تحقیقات حقوقی و علوم اجتماعی بوده است. زن براساس گفتمانهای حقوقی مختلف در حوزه فردی و خانواده دارای حقوقی است که هر یک از این گفتمانها براساس رویکرد هستی‌شناسانه و انسان‌شناختی خود به محدوده و میزان این حقوق پرداخته‌اند. در مقاله حاضر تلاش خواهد شد تا جایگاه و حقوق زن در دو نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و کانادا با نگاهی تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا سؤال اصلی مقاله بدین ترتیب است که در دو گفتمان حقوقی ایران و کانادا زن دارای چه جایگاه و حقوقی در خانواده است؟. در مقام فرضیه پژوهش و مبتنی بر نتایج به دست آمده باید گفت گفتمان حقوقی غربی به ویژه در کشورهای، چون کانادا، با نگاهی مادی‌گرایانه و تقلیل‌گرا حقوق زن در خانواده را در فردیت و آزادی وی دانسته و آن را حول ابعاد جنس و مادی وی تدوین نموده است؛ اما در نظم حقوقی اسلامی به ویژه در جمهوری اسلامی ایران، حقوق و جایگاه زن در خانواده براساس دوگانه‌ی حق/تکلیف تنظیم شده و با رویکردی خانواده محور و گفتمان تناسب این حقوق را به منظور انجام تکالیف مورد انتظار زن در نهاد خانواده با هدف تحقق نقش سازنده آن در تربیت و تعالی انسان تدوین کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تدوین گردیده و داده‌ها و اطلاعات خود را با روش اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است.

**کلیدواژه:** حقوق زنان، خانواده، اسلام، غرب، ایران، کانادا.

تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۶

## مقدمه

امروزه برخی دیدگاه‌های غربی بر حق انتخاب زن و یا مرد در نوع روابط و آزادی آن تأکید می‌ورزند؛ این دیدگاه‌ها خانواده را در حد یک نهاد عرفی و قراردادی تقلیل می‌دهند. نتیجه گام نهادن در اینگونه دیدگاه‌ها و گفتمان‌هایی؛ مساوات‌گرایی و برابری زن و مرد را طبق یک قرارداد اجتماعی را رقم می‌زند و به زعم برخی از پژوهشگران غربی اساساً واژه‌ای به نام «خانواده» معنایی نمی‌یابد (گاردنر ۱۳۸۶: ۲۳). زیرا خانواده با آزادی و برابری محض در تنافی است. از سوی دیگر در دیدگاه و گفتمان اسلامی زن رکن اساسی خانواده است و عمده‌ی سامان و نظم نهاد خانواده بر پایه‌ی هنر زن شکل گرفته و تحقق می‌یابد. در این نگاه زن عضو فعال و موثر در خانواده قلمداد می‌شود و در کنار مرد به عنوان حافظ ارزشها و با رعایت عدالت و انصاف به تقویت آن همت گمارند. از این منظر ارتباط بین زن و مرد مانند دو شریک یا دو همسایه یا دو دوست نیست؛ بلکه بسیار بالاتر و در حد وحدت است؛ گفتمان اسلامی به تحکیم بنیاد خانواده و حُسن ارتباط بین زوجین عنایت کامل داشته و برای هر یک از آنها وظایف و حقوقی را مقرر داشته است (زحیلی، ۱۳۸۲: ۵۹). در این گفتمان زن در خانواده دارای حقوق غیر اقتصادی و اقتصادی (مالی و غیر مالی) است که باید با ابزارهای متعدد حقوقی و تعهد منصفانه محقق شود؛

با ازدواج، حقوق و تعهدات بین زوجین برقرار می‌شود که این حقوق و تعهدات می‌تواند مبنای قانونی، اخلاقی، عرفی و یا مذهبی داشته باشد.

اما از سوی دیگر عمدتاً در گفتمان غربی، مبنا چون براساس فردیت تنظیم شده است، مساله ازدواج به خودی خود حقوقی را برای فرد اعم از زن و مرد ایجاد نمی‌کند؛ زن و مرد در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا نیازهای فردی خود را اعم از روحی و جسمی برطرف سازند؛ لذا مساله خانواده و ازدواج فرعی بر اصل ماجرای فردیت تلقی می‌گردد. این موضوعات در سده‌های گذشته و به ویژه در دهه‌های اخیر موجب ظهور و بروز مناقشات متعددی در گفتمان‌های حقوقی (غربی و غیرغربی) متعدد شده است و بعضاً همین مجادلات توانسته است نهادها یا قوانین اجتماعی جدیدی را متناسب با رشد و توانمندی ساختاری آن تدوین نماید. به عنوان مثال، گفتمان فمینیستی (زن باوری) در غرب حول حقوق زن پدید آمده است و تلاش کرده است تا حقوق زن را در ساختارهای مردانه مورد شناسایی و تایید قرار دهد؛ در ضمن گفتمان‌سازی خود برای زنان غربی، دوگانه غربی و غیرغربی را خلق نماید و فرایند برسازي خود را، به ویژه در حوزه رسانه و شبکه‌های اجتماعی، طوری تنظیم کرده است که چارچوب حقوقی زن در غرب باید سرمشق زنان

دیگر جوامع قرار گیرد؛ و در جوامع غیرغربی و مسلمان باعث ابهامات و سئوالات زیادی در مورد نقش و حقوق واقعی زن در خانواده شده است؛ و این سؤال را به وجود آورده است که حقوق زن در کدام یک از گفتمان یا مدل غربی یا غیرغربی بیشتر رعایت و محقق شده است؟ آیا زن در نظام حقوقی غربی آزادتر است یا در نظام حقوقی اسلامی و به ویژه ایرانی آن؟؛ چنین سئوالاتی منجر به مناقشاتی در سطح نظری و حتی کنش‌ورزی اجتماعی میان تفسیرهای متعدد حقوقی می‌شود که انجام پژوهش‌هایی به منظور روشن شدن ابعاد چنین موضوعاتی را ضروری می‌سازد.

به همین منظور پژوهش حاضر در همین راستا تلاش دارد تا جایگاه زن را در خانواده در دو گفتمان حقوقی اسلامی و غربی مورد بررسی قرار دهد و به طور ویژه دو نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و کشور کانادا تلاش دارد موضوع حقوق زنان را در نهاد خانواده بررسی نماید. سؤال اصلی این مقاله بدین ترتیب است: در دو گفتمان حقوقی ایران و کانادا زن دارای چه جایگاه و حقوقی در خانواده است؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه اصلی مقاله مقرر می‌دارد: گفتمان حقوقی غربی به ویژه در کشورهایی چون کانادا، با نگاهی مادی‌گرایانه و تقلیل‌گرا جایگاه و حقوق زن در خانواده را در فردیت و آزادی وی دانسته و آن را حول ابعاد جنسی و مادی وی تدوین می‌نماید؛ این امر در گفتمان اسلامی براساس حقوق و تکالیف زن در ساحت مقدس خانواده و نقش سازنده آن در تربیت و تعالی انسانی تدوین کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی تدوین گردیده و داده‌ها و اطلاعات خود را با روش اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است.

#### ۱- پیشینه تحقیق:

امعان نظر در ادبیات و تحقیقات صورت گرفته در حوزه بررسی مقایسه‌ای نظام‌ها و گفتمان‌های حقوقی، به وضوح نشان می‌دهد کمتر پژوهشی در این حوزه به بررسی حقوق زن در دو نظام حقوقی ایران و کانادا پرداخته است. در این بین فقط یک مقاله در این زمینه تدوین شده است و عمده‌ی آثار بیشتر حول حقوق زن در خانواده در اسلام و یا ایران و یا کشورهای دیگر همچون فرانسه، انگلستان و امریکا می‌باشد. از این منظر مقاله حاضر دارای بداعت و نوآوری بوده و تلاش می‌نماید زمینه تحقیقات بعدی در این حوزه را فراهم نماید. در ادامه تلاش می‌شود مهمترین و نزدیک‌ترین مقالات به جهت محتوایی و موضوعی مورد بررسی قرار گیرد.

مروتی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «مطالعه تطبیقی گفتمان‌های نظام حقوقی زن در ج.ا.ایران و سوئد» به مساله سقط جنین و حق زنان در این موضوع پرداخته است؛ نویسنده

نتیجه‌گیری کرده است که اصولاً رواج و رونق بحث آزادی مطلق زنان در کشورهایی مانند سوئد ناشی از غلبه تئوری‌های «آزادی انتخاب» بوده که با نگاهی شی‌واره به جهان بر آزادی مطلق «بدن» تأکید دارند و در مقابل گفتمان‌های الهی در نظام حقوقی کشوری مانند ایران برآمده از دوگانه حق/تکلیف است که تداوم نگاهی الهی به هستی انسان است لذا نمی‌توان قائل بر آزادی مطلق و لجام گسیخته باشد.

زین‌الدینی و رضوی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی الزامات ورود نظام اشتراک اموال به ساختار نظام مالی خانواده در حقوق ایران با نگاه به حقوق استان کبک/کانادا» از دو مدل نظم مالی در دو گفتمان حقوقی ایران و کانادا سخن گفته است و نتیجه گرفته است که نظام حقوقی ایالت کبک کانادا با اعتقاد به برابری حقوق و مسئولیت‌های زوجین در خانواده؛ نظام مالی اشتراک اموال زوجین را به عنوان رژیم مالی قانونی برای خانواده ارائه می‌دهد که در آن زن و مرد در آورده‌ی یکدیگر در خانواده سهیم می‌شوند؛ ولی در نظام حقوقی ایران، با پیروی از مدل ارائه شده توسط فقه امامیه، «استقلال مالی» زوجین را انتخاب نمود است.

گواهی و هژبری (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیقی نفقه زن در حقوق ایران، انگلیس و امریکا» به مساله حق نفقه از حقوق اقتصادی زن در خانواده پرداخته‌اند. نویسندگان در این مقاله نتیجه گرفته‌اند که «در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران نفقه بر عهده مرد و در نظام حقوقی کامن‌لا بر عهده زن و شوهر است و در قیاس بین این دو مدل قوانین ایران با توجه به وظایفی که عرفاً برای زوجین در خانواده تعریف شده است به عدالت نزدیکتر است. همچنین دریافت نفقه توسط زن منوط به ادای وظیفه او در قبال همسر (تمکین) است، در حالی که در حقوق کامن‌لا نیاز مالی زوجین شرط وجوب نفقه است و ظاهراً به محض انعقاد عقد نکاح یا بدون تحقق عقد نکاح و زندگی مشترک به مدتی خاص پرداخت واجب می‌شود».

عباسی و رضانی (۱۴۰۰) در مقاله «حقوق غیرمالی زن در نظام حقوقی ایران و هم‌خوانی آن با اسناد بین‌المللی» حقوق غیرمالی زن را اصل قرار داده و نتیجه گرفته است: حقوق غیرمالی زن در اسناد بین‌المللی و در نظام حقوقی ایران در زیر سایه ملاحظات فرهنگی و ایدئولوژیک و تحولات سیاسی-اجتماعی تدوین شده است و این حقوق همواره در زیر سلطه و ساختار رویکرد مردانه تدوین شده است و نتوانسته است حقوق زن را در بُعد غیرمالی محقق نماید.

جانسون (۲۰۱۷) در مقاله «موضوعات خانواده: عدالت جنسیتی و موفقیت دعوی در دادگاه‌های عالی کانادا» تلاش می‌کند مساله عدالت جنسیتی در خانواده و دعوای خانوادگی را در کانادا مورد بررسی قرار دهد و نتیجه گرفته است که در دادگاه‌های عالی کانادا قضاوت زن نسبت به قضاوت مرد توجه بیشتری به حقوق زنان دارند و موجب موفقیت‌های زیادی در دعوای خانوادگی برای زنان شده‌اند و توانسته‌اند عدالت جنسیتی بیشتری را در احقاق حقوق زنان رقم بزنند.

## ۲- چارچوب نظری: گفتمان، زنانگی و خانواده

اصطلاح گفتمان امروزه به واژه‌ای رایج در انواع رشته‌ها، از نظریه انتقادی تا جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، فلسفه، روانشناسی اجتماعی و حوزه‌های دیگر بدل شده است و شاید در میان همه اصطلاحات رایج در نظریات علوم اجتماعی و نظریه فرهنگی، گسترده‌ترین طیف معانی در این واژه مستتر است (میلز، ۱۳۸۸: ۷)؛ گفتمان یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند. هر گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در یک «زنجیره هم‌ارزی» در کنار هم و در رو به روی دیگری قرار داده و از این راه به آنها معنا می‌بخشد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱).

با توجه به این تعریف از گفتمان، باید گفت زن در گفتمان اسلامی در منظومه‌ای از معانی که مبتنی بر درکی انسان‌شناسی از جایگاه زن در هندسه هستی است، جایگاه رفیعی می‌یابد. نظام حقوقی اسلام، نظامی مبتنی بر فطرت انسانی است و فطرت ناظر به ذاتی است که هر موجودی در آغاز خلقت خود به آن حالت است. خداوند در قرآن کریم در باب فطرت آورده است: «فطرت خداوند که مردم را بدان آفریده است، خلق خداوند را تبدیلی نیست» (روم، آیه ۳۰). از این منظر سعادت و رستگاری انسان در زیستی تحقق پیدا می‌کند که مطابق با ملاحظات و مقتضیات فطرت الهی وی باشد. استاد مطهری «فطرت انسان را مطابقت با طبیعت او دانسته که نباید خلاف آن عمل کرد. زن و مرد در انسانیت برابرند ولی دو گونه انسان‌اند، با دو گونه خصلت‌ها و دو گونه روانشناسی. و این اختلاف ناشی از عوامل جغرافیایی و یا تاریخی و اجتماعی نیست، بلکه طرح آن در متن آفرینش ریخته شده، طبیعت از این دو گونگی‌ها هدف داشته است و هرگونه عملی بر ضد بیعت و فطرت عوارض نامطلوبی به بار می‌آورد» (مروتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۶۵-۲۸۴). براساس همین نگاه به فطرت است که گفتمان اسلامی مبنای حقوق مشترک زن و مرد را پذیرش فطرت انسانی دانسته و براساس این فطرت است که حقوقی برای زن و مرد مترتب می‌شود؛ در این زمینه آیت الله جوادی آملی اذعان می‌دارد: «اولین مبنایی که برای تبیین حقوق زن باید به آن

توجه داشت نگاه به انسان و ابعاد وجودی و نیازها و استعدادهاى حقیقی اوست با توجه به اینکه انسان مخلوق خدای جهان آفرین است، جامع‌ترین بیان را در این رابطه باید از کلام انسان آفرین استنباط کرد؛ انسان موجودی است مرکب از روح و جسم و نفس و بدن که نفس او مجلای حق است و خدای سبحان فقط او را از میان مخلوقات خویش، نماینده خویش قرار داد و برای خلافت و جانشینی خود از زمین برگزید. حقیقت انسان به صورت و شکله ظاهری او نیست بلکه به سیرت و نفس باطنی وی است و معنای انسان بدون لحاظ جنبه باطنی و نفسانی او حد تام و تعریف کامل نخواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۶-۷).

بنابراین فطرت انسان دو بعد جسمی و نفسی انسان را در برمی‌گیرد و ساختار و گفتمان حقوقی در اسلام نیز منطبق بر این دو بعد فطری انسان است و حقوق و تکالیفی را برای زن و مرد در نهاد خانواده مشخص کرده است. از این منظر خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. در همین موضوع است که می‌توان تمایز اساسی دو گفتمان حقوقی اسلامی و غربی را مشاهده نمود. گفتمان حقوقی غربی مبتنی بر نیازها و فردیت زنانگی و در نهایت فرودستی زنان در ساختارهای مردانه اجتماعی و قانونی است و در مقابل گفتمان حقوقی اسلامی مبتنی بر گفتمان خانواده‌محور. تقلیل صفات زنانه، دیده نشدن مصلحت فطری و ذاتی زنان در ابعاد مختلف زیستی، ارزش‌گذاری کمتر برای فعالیت‌های زنانه و بی‌توجهی به مطالبات زنان، نمونه‌هایی از گفتمان غربی نسبت به زن است. جایگاه و حقوق زن در گفتمان حقوقی غربی مبتنی بر مفاهیمی چون فردگرایی، برابری و مصرف است (Griffiths, 2011: 14)، و بر اساس همین مفاهیم است که به دنبال «تشابه‌سازی» بین زن و مرد در مباحث حقوقی است. این در حالی است که در گفتمان اسلامی، رویکرد غالب «رویکرد تناسب» است. در این رویکرد چند مفهوم اساسی از اهمیت زیادی برخوردار است: «برابری انسانی و ارزشی زن و مرد، وجود تفاوت‌های تکوینی موثر میان زن و مرد، نقش‌های متمایز جنسیتی، مکمل‌بودن نقش‌های زن و مرد، تمایزات حقوقی عادلانه، جنسیتی شدن تربیت از نظر تفاوت ویژگی‌های تکوینی و تمایز نقش‌ها و کارآمدی و ارزشمندی زن و مرد در زندگی خانوادگی و اجتماعی» (کافی، ۱۴۰۱، ۷).

براساس همین مبانی گفتمانی است که جایگاه و حقوق زن براساس «خانواده‌محوری» فهمیده می‌شود. چیرگی گفتمان خانواده‌محور در گفتمان حقوقی اسلامی، به نوعی از الگوی مشارکت اجتماعی خانواده‌گرا می‌رسد که در چارچوب آن ارزش‌های خانوادگی دست کم حفظ شود و زن و حتی مردم، با حضور در عرصه‌های اجتماعی، راه خانه را گم نکنند. در این گفتمان حقوق زن با تصویری از «عدالت» تدوین می‌شود که سازگار با

ویژگی‌های زن و مرد و در خدمت تحقق هدفی به نام مصلحت پایدار خانواده باشد. همچنین در گفتمان خانواده‌محور، مفهوم «اقتدار ملی» بر پایه‌ی تقویت سرمایه اجتماعی دولت در تعامل با خانواده و تقویت موقعیت خانواده در حل مشکلات و کنترل آسیب‌های اجتماعی فهم و تحلیل می‌شود؛ چنانکه «مصرف» در این گفتمان، آنگاه عقلانی است که در خدمت منافع پایدار خانواده باشد. در چنین بافتار فکری و گفتمانی است که زن در خانواده دارای حقوق و تکالیف متعددی است؛ که شامل حقوق اقتصادی (مهریه، نفقه، نحل، اجرت المثل، اجرت رضاع و غیراقتصادی (حق ازدواج، آزادی ازدواج، آزادی انتخاب همسر، طلاق و ...) برای آن می‌شود (حکمت نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۷ و ۱۷۵).

### ۳- جایگاه و حقوق زن در خانواده در نظام حقوقی ج.ا.ایران

در گفتمان حقوقی اسلامی و به ویژه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه و حقوق زن از اهمیت زیادی برخوردار است؛ این جایگاه را می‌توان در مهم‌ترین سند قانونی کشور یعنی قانون اساسی و در مقدمه آن مشاهده کرد. قانون اساسی در مقدمه خود اذعان داشته است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیء بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استعمار، خارج شده و ضمن بازافتن وظیفه‌ی خطیر و پُراوج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش آهنگ خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۹۶).

همانطور که گفته شد نظام حقوقی کشور براساس فقه امامیه و با ابتنا بر آموزه‌های شیعی در باب زن شکل گرفته و تدوین شده است. عنصر غالب در این نگاه «خانواده-محوری» است و حقوق زن در این نهاد است که معنا پیدا می‌کند؛ و از سوی دیگر این خانواده محوری بر پایه‌ی رویکرد تناسب شکل گرفته است.

در «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» مصوب شهریور ماه سال ۱۳۸۳ در شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان یکی از مهمترین اسناد بالادستی در باب حقوق زنان در نظام حقوقی ج.ا.ایران، آمده است: «مبنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است که در اسلام، زن و مرد در فطرت و سرشت، هدف خلقت، برخورداری از استعدادها و امکانات، امکان کسب ارزش‌ها، پیشتازی در ارزش‌ها و پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت، در برابر خداوند یکسان می‌باشند و فقط به واسطه رشد همه‌جانبه انسانی در سایه دانش و علم، تقوای الهی و ایجاد جامعه‌ای شایسته بر یکدیگر مزیت دارند... از سوی دیگر زن و مرد از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که این تفاوت‌های مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشر، کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد تا در نهایت، رابطه متقابل ناشی از تناسب فکری و عاطفی میان آن دو، حیات معقول و والای انسانی امکان و تداوم یابد. لذا این تفاوت‌های طبیعی منشأ تفاوت‌های حقوقی می‌شود که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است، لذا منجر به کم شدن ارزش زن یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد نمی‌گردد. به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوقی اسلام از حقوق و مسئولیت‌های یکسان برخوردار می‌باشند. تفاوت در حقوق و مسئولیت‌ها امری است که نشان‌دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و عمدتاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت مادی و معنوی خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است تأمین گردد» (منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام ج.ا.ایران، ۱۳۸۳/۶/۳۱).

می‌توان جایگاه رفیع زن در اسناد بالادستی و نظام حقوقی کشور را به وضوح مشاهده کرد و بر پایه‌ی همین نگاه به زن در این اسناد است که دو دسته حقوق برای زن در خانواده در نظر گرفته شده است: حقوق اقتصادی و حقوق غیراقتصادی.

### ۱-۳ حقوق اقتصادی زن در خانواده در نظام حقوقی ج.ا.ایران

نظام حقوقی در اسلام و خاصه در ج.ا.ایران ابعاد اقتصادی خانواده را مورد توجه قرار داده است. بخشی از این قواعد ناظر بر حقوق اقتصادی زن در خانواده است. امتیازات و حقوق اقتصادی بخشی از حقوق زن در خانواده است. این حقوق جنبه اثباتی دارد و دارای ارزش اقتصادی است. برخی از امتیازات اقتصادی، حقوق ناشی از مصالحی است که قانون‌گذار برای زن در محیط خانواده مقرر کرده است. این احکام ممکن است احکام

نکاح و یا ناشی از ضابطه قرابت باشد. دسته‌ی دیگر حقوق مبتنی بر قواعد عمومی ضمان است. این حقوق ناشی از انجام دادن کار است؛ دسته سوم ناشی از قرارداد است که زوجین بر آن توافق کرده‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

### ۱-۱-۳ حقوق اقتصادی زن به عنوان حکم

این بخش از حقوق اقتصادی زن ماهیت حکمی داشته و ممکن است ناشی از قرارداد نکاح و یا ناشی از قرابت باشد. این حقوق در ساختار نظام حقوقی خانواده به صورت حکم قلمداد شده و از این رو طرفین نمی‌توانند بر اسقاط آن توافق کنند. این حقوق دارای مصادیق ذیل است:

- مهر:

حق برخورداری از مهر در نکاح دائم و موقت یکی از مهمترین حقوق اقتصادی زن است. مبنای مشروعیت حقوقی مهر یا مهریه را باید اراده حکیمانه خداوند دانست که در قرآن کریم به آن اشاره گردیده و در سنت و سیره معصومان (ع) تبیین شده است: «مهر آنان را به طیب خاطر به آنها بدهید و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند، بپذیرید که خوش و گوارایتان خواهد بود» (نسا، آیه ۴).

مهریه یک حق ناشی از نکاح و از جمله قواعد آمره است؛ لذا میزان مهر در شریعت معین نشده است و به توافق زوجین گذاشته شده است که آنان به هر مقداری که می‌توانند توافق کنند؛ اما الزام به تملیک مهر ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۴۹).

- نخله:

یکی دیگر از حقوق اقتصادی زن نخله است که در شرایط خاص توسط شوهر پرداخت می‌شود. براساس بند «الف» تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، «چنانچه زوجه، کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم نماید» (روزنامه رسمی، شماره ۱۳۹۱۴). مبنای مشروعیت این حق مصلحتی است که قانون‌گذار رعایت آن را براساس عدالت، لازم دیده است. براساس رای مجمع تشخیص مصلحت نظام در این مورد، پس از احراز عدم امکان سازش توسط دادگاه، زن مستحق دریافت نخله خواهد بود.

- نفقه:

یکی دیگر از حقوق مالی زن نفقه است که مرد باید آن را بپردازد. نفقه شامل همه وسایلی می‌شود که زن با توجه به درجه‌ی تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و داوری آن را باید به عهده عرف گذاشت (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۸۷).

اقتضای قواعد حقوقی این است که تأمین هزینه به عهده شوهر است و این امر با تملک ملازمه‌ای ندارد؛ از این رو باید برای احراز مالکیت، به قصد شوهر توجه کرد و با توجه به قصد صریح و ضمنی وی، اراده‌ی وی را تفسیر کرد و درباره مالکیت اظهار نظر نمود (صفایی و امامی، ۱۴۰۱: ۱۳۷).

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی آمده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا».

- نفقه زوجه در ایام بارداری :

این حق در زمانی است که زن مطلقه شده است یا شوهر وی وفات کرده است؛ در اینجا زن از حق نفقه برخوردار است.

- نفقه اقارب :

این حق در صورت فقر و نداری زن، باید از سوی فرزندان و یا پدر پرداخت شود. در پرداخت نفقه اقارب به دو عنصر مهم توجه می‌شود: یکی نیاز شخص مستمند و دیگری وضعیت اقتصادی پرداخت کننده‌ی نفقه (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

- متاع به معروف :

یکی دیگر از حقوق اخلاقی زن دریافت متاعی است که پس از طلاق دریافت می‌کند. مبنای این امر آیه ۲۴۱ سوره آل عمران است که بیان می‌دارد: «برای زنان مطلقه بهره‌ای است شایسته، چنانکه در خور مردان پرهیزگار باشد». این حکم در مورد زنانی است که برای آنها مهری به هنگام عقد قرار داده نشده است و پیش از آمیزش، طلاق داده می‌شوند و این امر تأکیدی است بر حکم مزبور تا مورد غفلت واقع نشود.

البته به جز این موارد زن در نظام حقوقی ایران دارای حقوق اقتصادی دیگری همچون اجرت‌المثل (معطوف به فعالیت و کار زن در محیط خانه) و اجرت رضاع (معطوف به شیر دادن به فرزند کودک) می‌باشد که همگی در راستای گفتمان خانواده‌محوری است. و مرد به عنوان عنصر تأمینی در این نهاد، باید مسئولیت و پاسخگویی و تعهد خود را در قبال زن انجام دهد.

نظام مالی خانواده نیز در ایران براساس حفظ حقوق و جایگاه زن بوده است. «نظام مالی خانواده به معنای سیستم مالی خاصی است که هر نظام حقوقی جهت مالکیت و اداره اموال زوجین پس از ازدواج بر می‌گزینند و بوجود آمدن یا نیامدن اموال مشترک خانوادگی را تعیین می‌نماید» (زین الدین و رضوی، ۱۳۹۹: ۷-۲۴). در ایران، رژیم مالی ای که قانون‌گذار به تبعیت از فقه اسلامی برای خانواده تعیین کرده، رژیم مالی جدایی اموال است که در آن اموال مشترک خانوادگی بوجود نمی‌آید، بلکه هر یک از زوجین کاملاً مستقل از یکدیگر در امور مالی در نظر گرفته می‌شوند و هیچ یک از اموال آنها، چه قبل از ازدواج به دست آمده باشد چه پس از آن، اموال مشترک محسوب نمی‌گردد. در این سیستم، هر یک از زوجین اختیار کامل نسبت به اموال خود دارند و در جهت تملیک و اداره اموال خود کاملاً مستقل و آزاد می‌باشند. بدیهی است که مسئولیت و ذمه مالی افراد نیز در این سیستم مستقل می‌باشد و هر یک از زوجین مستقلاً نسبت به سود و زیان در اموال خود متعهد می‌باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱: ۴۸). در این سیستم، زن حقوق و تعهدات مالی مستقل از همسر خویش دارد و می‌تواند شخصا حق مالکیت و ورود به قراردادهای حقوقی و پذیرفتن تعهد خویش را اعمال کند. (زین الدین و رضوی، ۱۳۹۹: ۷-۲۴).

## ۲-۳ حقوق غیراقتصادی زن در خانواده در نظام حقوقی ج.ا.ایران

### ۱-۲-۳ حق زن در ارتباط با خانواده

#### - حق ازدواج

گزاره « هر فردی دارای حق ازدواج است» در نظام حقوقی اسلامی مفروض انگاشته شده است. آیاتی که در آنها از خلق (نساء، ۱) و جعل زوج (اعراف، ۱۶۹؛ زمر، ۶) برای آدم سخن گفته شده است، بیانگر مفروض بودن چنین حقی است. لازمه‌ی چنین حقی این است که هیچ کس نمی‌تواند فردی را از این حق محروم کند؛ قانون مدنی ایران به موضوع سلب حق توجه کرده است و در ماده ۹۵۹، سلب حقوق مدنی را به طور کلی منم می‌کند (صفایی، ۱۴۰۱: ۳۰).

#### - آزادی ازدواج

هر شخص دارای حق ازدواج است و با داشتن شرایط قانونی می‌تواند ازدواج کند. براساس اصل آزادی ازدواج، نمی‌توان دیگری را به ازدواج ملزم کرد.

#### - آزادی انتخاب همسر

دختران مانند پسران در انتخاب همسر آزادند؛ بنابراین نمی‌توان دختری را به ازدواج با پسری ملزم کرد. این بعد منفی آزادی است. در جنبه اثباتی آزادی، قانونگذار ممکن است

ازدواج با افراد خاصی را ممنوع اعلام نماید. این امور را فقیهان در باب محرمات نکاح آورده‌اند و برخی در یک دسته‌بندی کلی آنها را در ۲۱ دسته طبقه‌بندی کرده‌اند (روحانی ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۲۱۲). ولی به طور کلی ضوابط حقوقی محدودکننده ازدواج را می‌توان در دسته‌های هم‌طرازی زن و شوهر، ضابطه خویشاوندی، ضابطه اخلاقی و ضابطه عبادی بررسی کرد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

- حمایت از افراد برای تشکیل خانواده

با توجه به گفتمان خانواده محوری در نظام حقوقی ایران و اسلام، تشکیل خانواده برای افراد یک مزیت است که می‌توان آن را در قالب یک «حق» برای زن و مرد تعریف کرد. جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و برقراری نظم اجتماعی و استمرار نسل بشری موجب می‌شود که تشکیل خانواده برای افراد یک حق محسوب گردد.

- حق زنان ایرانی در بهره‌مندی از حمایت دولت هنگام ازدواج با تبعه غیرایرانی  
 بنابر ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

- حق آشنایی با معیارهای مناسب همسرگزینی، شناخت و انتخاب همسر  
 بر این اساس زنان حق آگاهی از حقوق و تکالیف زوجین، آیین همسرمداری و برخورداری از امکانات لازم را در این زمینه دارند. از آنجا که بسیاری از احکام خانواده جنبه تکلیفی دارد، می‌توان گفت اطلاع یافتن از آنها نیز خود یک تکلیف است.  
 - حق آشنایی با شخص

یکی دیگر از اموری که در ازدواج مهم است، این است که اشخاص با آگاهی نسبت به یکدیگر ازدواج کنند. حق آشنایی حقی است که در ادبیات فقهی مفروض انگاشته شده است.

- حق بهره‌مندی از دادگاه و دادرسی مناسب

یکی دیگر از حقوق زن بهره‌مندی از دادگاه و دادرسی مناسب در امور خانواده است. قانون اساسی ج.ا.ایران به صراحت از این حق نام برده است و در اصل ۲۱، دولت را موظف کرده است به منظور حفظ کیان و بقای خانواده، دادگاه صالح تشکیل دهد. بر این اساس، شورای انقلاب در مهرماه ۱۳۵۸ لایحه قانونی دادگاه‌های مدنی خاصی را تصویب کرد که به موجب آن دادگاه مدنی خاص با یک مجتهد جامع الشرایط یا فرد صالحی که منصوب وی باشد و یک یا دو مشاور از قضات دادگستری تشکیل شد. براساس ماده ۳ این قانون، دعاوی راجع به نکاح؛ مهر و نفقه زوجه و سایر اشخاص واجب‌النفقه و حضانت و نصب

قیم، دعاوی راجع به نسبت وصیت، نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها در این دادگاه رسیدگی می‌گردید. سپس بعدها دادگاه های خاص خانواده با عناوین گوناگونی شکل گرفت (یاوری ۱۳۸۱: ۷۴).

- حق پایان دادن به نکاح

بنا بر مصالح خانواده و صیانت از آن و به خصوص اینکه در ازدواج، شوهر مسئولیت مالی سنگینی را می‌پذیرد، حق طلاق به شوهر داده شده است؛ اما با این حال نمی‌توان زنان را به زندگی مشترک با کسی مجبور کرد؛ از این رو در نظام حقوقی ایران مواردی مقرر شده است که زن بتواند به زندگی مشترک پایان دهد. این موارد را می‌توان به صورت ذیل تفکیک کرد:

- ۱- فسخ نکاح در موارد معین: زن در مواردی خاص حق فسخ نکاح را دارد. این موارد احصا شده است. قانون مدنی به تبعیت از فقه امامیه در ماده ۱۱۲۲ عیوب خاصی را در مرد موجب فسخ برای زن شمرده است. این عیوب عبارتند از خصاء، عنن به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداد باشد و مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد. افزون بر این موارد، اگر مرد هنگام ازدواج زن را به برخی از صفات خود فریب داده باشد یا اینکه زن و مرد هنگام عقد، شرطی را ضمن عقد بیاورند و پس از آن آشکار شود که مرد آن صفت را نداشته است، زن حق فسخ نکاح خواهد داشت.
- ۲- طلاق خلع: این طلاق مربوط به زمانی است که زن به سبب کراهتی که از شوهر خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق می‌گیرد (قانون مدنی، ۱۱۴۶). این مال می‌تواند از میزان مهر بیشتر یا کمتر یا معادل آن باشد.
- ۳- طلاق مبارات: طلاق مبارات در کلیه خصوصیات آن از جمله عناصر، ارکان، آثار، احکام و ماهیت حقوقی با طلاق خلع مشترک است. تنها تفاوت آنها افزون بر تفاوت صیغه، آن است که طلاق مبارات ناشی از کراهت طرفین است و عوض در آن نمی‌تواند بیشتر از میزان مهر باشد (امام خمینی، توضیح المسائل، مساله ۲۵۳۴؛ قانون مدنی، ۱۱۴۷).

- ۴- طلاق قضایی: قانون در مواردی همچون ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی (غیبت شوهر بیش از چهار سال) و ماده ۱۱۲۹ (استنکاف یا عجز شوهر از دادن نفقه) و ماده ۱۱۳۰ (عسر و حرج) به زن حق درخواست طلاق داده است.

- حق ثبت وقایع مربوط به خانواده

خانواده تنظیم کننده روابط شخصی افراد است؛ اما برای ایجاد نظم و تنظیم حقوق اشخاص، ثبت وقایع مربوط به خانواده ضروری است؛ از این رو ماده ۲۸ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران به صراحت حق ثبت ازدواج، طلاق و رجوع را در مراجع رسمی و به صورت قانونی به رسمت شناخته است. پیگیری حقوق افراد در خانواده ممکن است ناشی از طلاق مبتنی بر احراز واقعه حقوقی باشد و این امر باید با توجه به ادله معتبر صورت گیرد.

#### ۴- جایگاه و حقوق زن در خانواده در نظام حقوقی کانادا

همانطور که در سطور پیش آمد، گفتمان حقوقی غربی به ویژه در نظام حقوقی کانادا، مبتنی بر گفتمان تشابه است. در این گفتمان زن و مرد فارغ از تفاوت‌های ذاتی، در همه عرصه‌های اجتماع و چارچوب‌های عمومی براساس فردیت و انسانیت یکی بوده و قواعد برای آنها به طور یکسان اجرا می‌شود. در اصل بیست و هشتم قانون اساسی کانادا ۱۸۶۷ آمده است: «حقوق و آزادیهای مذکور در این قانون، مستقل از سایر مقررات این منشور، برای همه افراد اعم از زن و مرد بطور یکسان تضمین می‌شود.» (ق.ا. کانادا، ۱۸۶۷). در این نظام معنایی و حقوقی، زن به مانند مرد از همان حقوق و قواعدی باید پیروی کند که برای مرد نیز قابل اجراست؛ تلاش برای افزایش این تناسب را می‌توان در موج‌های چندگانه فمینیستی در غرب و کانادا با هدف رسیدن به جایگاهی برابر با مردان دید.

این موضوع را می‌توان در سایت دولت کانادا در باب حقوق زنان دید که آمده است: «تاریخ کانادا توسط زنان مصمم بی شماری شکل گرفته است که برای ترویج و حمایت از برابری جنسیتی در کانادا تلاش کردند. تعدادی از بندهای مهم حقوق بشر که به ارزش‌های اصلی کانادا تبدیل شده‌اند از زنان دفاع می‌کنند همچون: حق رای در انتخابات استانی و فدرال، حق مالکیت، حق کسب دستمزد منصفانه، و در نهایت، حق به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک شخص طبق قانون؛ زنان در حال حاضر توسط قانون حقوق بشر کانادا و منشور حقوق و آزادی‌های کانادا از تبعیض براساس جنسیت، سن، وضعیت تاهل و موارد دیگر محافظت می‌شوند» (Government of Canada, 2017).

مفهوم «برابری جنسیتی» محصول گفتمان تشابه در نظام حقوقی کانادا است و تعیین کننده جایگاه و حقوق زن در این نظام حقوقی می‌باشد؛ در قانون فدرالی این کشور آمده است: «کانادا تعهدی دیرینه به برابری جنسیتی دارد. این امر از طریق یک چارچوب حقوقی داخلی و بین المللی که به طور مداوم در حال تحول است که بر برابری جنسیتی متمرکز است، پیگیری می‌شود» (Federal gender equality laws in Canada, 2022). در بُعد

داخلی، دولت های فدرال، استانی و منطقه ای طیف وسیعی از اقدامات (سیاست، برنامه ها، قوانین) را دارند که به مسائل برابری جنسیتی می پردازد. در کانادا، اساس برابری جنسیتی را می توان در قانون حقوق بشر کانادا و منشور حقوق و آزادی های کانادا یافت. در سطح فدرال، این حقوق بیشتر از طریق قوانین و مقررات از جمله:

- قانون عدالت استخدامی
- قانون حقوق صاحبان سهام
- قانون بودجه بندی جنسیتی کانادا
- قانون کار کانادا

استان ها و سرزمین ها قوانین خاص خود را دارند که تبعیض های جنسیتی را تأیید و از آنها محافظت می کند. در نظام حقوقی کانادا، حقوق زنان منطبق با حقوق بشر است. با توجه به رفتار نابرابری که زنان در کانادا تجربه کرده اند، حقوق برابر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تعدادی از اسناد قانونی در کانادا برای حمایت از برابری زنان وجود دارد. یکی از آنها منشور حقوق و آزادی های کانادا است که از حقوق بشر بر اساس قانون اساسی حمایت می کند. این در مورد روابط بین یک فرد و دولت اعمال می شود، در حالی که روابط بین افراد در مناطق خاصی توسط قانون حقوق بشر کانادا (CHRA) و همچنین قوانین حقوق بشر استانی و منطقه ای پوشش داده می شود. (Government of Canada, 2017).

از سوی دیگر حقوق خانواده در کانادا در درجه اول مبتنی بر قانون است. دولت فدرال طبق ماده ۹۱ (۲۶) قانون اساسی ۱۸۶۷، صلاحیت انحصاری ازدواج و طلاق را دارد. بخش اصلی قانون فدرال حاکم بر مسائل مربوط به جدایی همسران متأهل و الزامات طلاق، حق طلاق است. طبق قانون طلاق، دولت فدرال صلاحیت رسیدگی به امور حضانت کودک و امور دسترسی، حمایت همسر و کودک را در طول یا بعد از طلاق را دارد. قانون طلاق مسائل مربوط به املاک را تعیین نمی کند؛ استانها یا ایالتها صلاحیت انحصاری اجرای مجازات ازدواج را ذیل ماده ۹۲ (۱۲) قانون اساسی ۱۸۶۷ و صلاحیت رسیدگی به حمایت از همسران و فرزندان، تقسیم اموال، حضانت و دسترسی، فرزندخواندگی و حمایت از کودکان به عنوان بخشی از صلاحیت های دولت استان را برعهده دارند. مالکیت و حقوق شهروندی موضوع بند ۹۲ (۱۳) قانون اساسی ۱۸۶۷ و صلاحیت رسیدگی به امور مربوط به خصوصیات ذیل بخش ۹۲ قانون است. هر استان دارای قانونی است که به هنگام تقسیم ازدواج به قوانین تقسیم اموال پرداخته است. قوانین کشور کانادا عمدتاً فدرالی هستند و به

دو صورت اعمال می‌گردند یکی فدرالی و دیگری استانی یا استانی؛ در حقوق کانادا مسائل مربوط به حقوق خانواده مثل احکام مربوط به اینکه چه کسی می‌تواند با چه فرد دیگری ازدواج کند (مانند ازدواج همجنس‌گراها) در مسئولیت قانون فدرال می‌باشد. و سایر مسائل مانند اجرای فنی ازدواج ایالتی هستند. طلاق تحت قانون طلاق اعمال می‌شود. حضانت، دسترسی، تأمین فرزند، تقسیم اموال، تأمین همسر، قرار منع، حمایت از فرزند تحت پوشش قوانین ایالتی هستند. همچنین مسائل مربوط به ارث جزو قوانین ایالتی می‌باشند. نام قوانین از ایالت به ایالت دیگر متفاوت است. به همین منظور و به دلیل گستردگی قوانین نانوشته و نوشته (در ایالت کبک) به برخی از حقوق زنان در خانواده اعم از اقتصادی و غیراقتصادی اشاره می‌گردد (عقیقی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۹).

در حوزه حقوق اقتصادی باید گفت با توجه به چیرگی گفتمان تشابه و برابری جنسیتی در احقاق حقوق زنان در کانادا، این حقوق به پیروی از «الگوی برابری»، نظام مالی اشتراک اموال زوجین را به عنوان رژیم مالی قانونی برای خانواده در نظر می‌گیرد که در قالب آن زن و مرد در آورده یکدیگر در خانواده سهم هستند. در قالب این الگو به طور مثال در ایالت کبک کانادا، «نظام حقوقی حاکم بر روابط و حقوق اقتصادی خانواده بر دو اصل استوار است: اصل اول، آزادی طرفین در انتخاب رژیم مالی حاکم بر رابطه زوجیت به استثنای اموال مستثنی از این رژیم که قانون‌گذار آنها را اموال مشترک خانواده<sup>۱</sup> می‌نامد؛ اصل دوم، اصل غیرقابل تغییر بودن و قطعیت رژیم مالی است که براساس آن رژیم مالی انتخاب شده توسط طرفین ازدواج معتبر و غیرقابل تغییر خواهد بود. مگر اینکه طرفین بر تغییر آن توافق نمایند و قرارداد مالی جدیدی منعقد نموده و آن را نزد مرجع قانونی به صورت رسمی امضا نمایند» (زین‌الدین و رضوی، ۱۳۹۹: ۷-۲۴).

یکی از ویژگی‌های مهم در نظام حقوقی کانادا این است که زنان این حق را دارند که مناسبات و روابط اقتصادی در خانواده را در الگوهای مخالف مالی و اقتصادی تنظیم کرده و بر سر رعایت آن با همسر خود توافق داشته باشند. قانون‌گذار در کانادا به طور مبسوط به توضیح انواع توافقیها و مدلهایی که زوجین قادرند در مورد آنها با هم به توافق برسند می‌پردازد و نتایج و تاثیرات این مدلها را تشریح کرده است تا زن و یا مرد به طور آزادانه و کاملاً «برابر» و با آگاهی کامل به حقوق و مسئولیتهای مالی خود در خانواده و در طول

<sup>۱</sup> . Family Patrimony

مدت ازدواج و یا در هنگام طلاق یا فوت همسر، و... اقدام قانونی نمایند (Hahlo,1973: 455-478).

- مدل مالی اشتراک در اموال معین

- مدل اموال اشتراکی

- مدل استقلال اموال زوجین

- مدل اموال مشترک خانوادگی

در باب حق مالکیت زنان در کانادا باید گفت یکی از اولین گام‌ها به سوی برابری برای زنان کانادایی، قانونی شدن حقوق مالکیت زنان متاهل بود. قانون مالکیت زنان متاهل که از انتاریو در سال ۱۸۸۴ و مانیتوبا در سال ۱۹۰۰ شروع شد، به زنان متاهل در این استان‌ها همان حقوق قانونی را با مردان اعطا کرد که به زنان این امکان را می‌داد که بتوانند قراردادهای قانونی منعقد کنند و دارایی بخرند. بقیه استان‌ها و مناطق به آرامی دنبال شدند و کبک در نهایت قانون مالکیت زنان متاهل را در سال ۱۹۶۴ امضا کرد. قانون مدنی کبک اصلاح شد تا به زنان متاهل حقوق قانونی و مالکیت کامل بدهد. (Federal gender equality laws in Canada,2022)

در باب حق اشتغال در کانادا فراتر از قانون حقوق بشر کانادا و منشور حقوق و آزادی‌های کانادا قوانین مهم دیگری که برابری جنسیتی را ترویج می‌کنند، شامل قانون برابری اشتغال فدرال (۱۹۹۵) و قانون حقوق برابر حقوق فدرال (۲۰۱۸) هستند. این قوانین به منظور دستیابی به برابری در محیط کار- به گونه‌ای که هیچ فردی به دلایل غیرمرتبط با توانایی از فرصت‌ها یا مزایای شغلی محروم نشود و در تحقق آن هدف، اصلاح شرایط نامطلوب شغلی که توسط زنان تجربه می‌شود- ایجاد شده است. قانون برابری پرداخت، که در آگوست ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا شد، برای دستیابی به برابری دستمزد از طریق ابزارهای پیشگیرانه از طریق رفع تبعیض سیستماتیک مبتنی بر جنسیت در شیوه‌های جبران خسارات و سیستم‌های کارفرمایان که توسط کارمندان که در موقعیت‌هایی عمدتاً زن هستند، اقدام می‌کند (Federal gender equality laws in Canada,2022).

در باب حق ازدواج «قانون مدنی ازدواج» مصوب سال ۲۰۰۵ کانادا اقرار می‌دارد «برای افراد بالای ۱۶ سال، ازدواج مستلزم رضایت آزادانه و روشن بینانه دو نفر است تا همسر یکدیگر باشند» (Civil Marriage Act,2023). براساس این قانون زنان کانادایی حق آزادی ازدواج را دارا هستند و براساس تصمیمات اخذ شده توسط دادگاه‌های این کشور و

عرف‌های قانونی می‌توانند همسر خود را انتخاب نمایند. البته قوانین مربوط به انتخاب همسر و شرایطی سلبی و ایجابی حق آزادانه همسر در ایالت‌های این کشور متفاوت است.

### ۵- مقایسه جایگاه زن در دو نظام حقوقی ج.ا.ایران و کانادا

با اخذ رویکردی تطبیقی باید گفت دو گفتمان حقوقی اسلامی و غربی در باب حقوق زن دارای تفاوت‌های مبنایی هستند. زن در گفتمان اسلامی به دلیل انتظارات و تکالیفی که در قالب ساخت خانواده از آن انتظار می‌رود، دارای شأن زیادی است. متعاقب نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر فقه امامیه و آموزه‌های اسلامی است، با رویکردی خانواده‌محور و با اتخاذ گفتمان تناسب حقوقی را برای زن در خانواده در نظر گرفته است. این حقوق که به طور مبسوط در بخش ۳ مقاله به آن پرداخته شد، همگی در راستای نقش زن به عنوان رکن اساسی خانواده می‌باشد. در مقابل اما نظام حقوقی کانادایی متأثر از آموزه‌های فردگرایی و آزادی‌خواهی و مادی‌گرایی و فمینیستی تلاش کرده است تا با اخذ رویکردی فرودستانه و تشابه‌ساز، حقوق و جایگاه زن را به مانند مرد در خانواده تنظیم نماید. از این منظر حقوق اقتصادی و غیراقتصادی زن بدون تفاوت در نقش و مسئولیت زن و مرد در چارچوب خانواده، به طور کاملاً برابر ترسیم و تدوین شده است. در این نظام خانواده محصول یک انتخاب کاملاً زیستی بوده که می‌تواند هر زمانی با خواست یک یا هر دو زوجین آغاز شده و پایان پذیرد؛

در باب حقوق اقتصادی در نظام حقوقی ایران، مرد مسئولیت تأمین و تحقق حقوق اقتصادی زن بر عهده دارد و به همین منظور مدل‌های گوناگونی (مهریه، نفقه، ...) را بر مرد تحمیل می‌کند تا زمینه‌ی انسان‌سازی و اداره خانواده توسط زن فراهم گردد. به همین منظور است که نظام مالی خانواده در نظام حقوقی ایران مبتنی بر نظام استقلال مالی است؛ اما از در نظام حقوقی کانادا این نظم مالی مبتنی بر اشتراک اموال و دارایی توسط زن و مرد است؛ زیرا هر کدام به طور یکسانی نقش تأمین اقتصادی خانواده را عهده دار است؛ و طبق همین رویه اشتراکی است که می‌توانند مدل‌های متعدد نظام مالی خانواده را انتخاب نمایند. در باب حقوق غیراقتصادی زن نیز باید گفت نظام حقوقی در ایران تلاش کرده است تا حقوق زن و آزادی‌های مشروع و قانونی زن در برابر مرد حفظ شود. به همین منظور حقوق دهگانه‌ای را در قوانین مدنی و خانواده خود برای زنان در نظر گرفته است تا تضمینی برای احقاق حقوق آنها باشد. همچنین این حقوق تضمین کننده ایفای نقش فعال زن در انجام تکالیف مورد انتظار از وی در خانواده است؛ این بدین معناست که دو گانه‌ی حق/تکلیف از سوی شارع و قانون‌گذار توأمان دیده شده است؛ بدین ترتیب که اگر حقوقی برای زن

در خانواده در نظر گرفته شده است به منظور انجام تکالیفی است که از وی خواسته شده است؛ و این دوگانه براساس نیاز فطری انسان به تشکیل خانواده و نقش فعالانه زن و مرد برای ارتقا و تعالی این نهاد اجتماعی بوده است.

اما حقوق غیراقتصادی زن در کانادا که در چنبره سیستم نانوشته‌ی کامن‌لا و مبتنی بر اقتضائات موضوعی در دادگاه‌ها تدوین شده است، با ابتدا بر زنانگی و رعایت عدالت جنسیتی تنظیم شده است تا تضمینی برای حفظ فردیت و آزادی زن در عرصه‌های متعدد فردی و عمومی وی باشد. لذا در این سیستم به دلیل ابتدا بر فردیت و آزادی زن در تنظیم حقوق و جایگاه وی، مفهوم خانواده معنای شرقی و اسلامی خود را نداشته و صرفاً یک قرارداد بین فردی است که طی یک فرایند تاریخی در جامعه شکل گرفته و روز به روز از به نفع مطالبات فمینیستی به حاشیه می‌رود و شکل هسته‌ای به خود می‌گیرد. در ادامه می‌توان در قالب جدول ذیل به مهمترین تفاوت‌های این دو گفتمان حقوقی پرداخت.

شاخص	نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران	نظام حقوقی کانادا
چارچوب گفتمانی	اسلامی - شیعی	غربی
مبنای گفتمانی زن	گفتمان تناسب	گفتمان تشابه
مبنای گفتمانی زن در خانواده	خانواده محور	فردمحور
هدف حقوق زن	انجام تکالیف معطوف به خانواده	مبارزه با تبعیض جنسیتی و حفظ آزادی و فردیت زن
چارچوب حقوق اقتصادی زن	مردمحور و استقلال مالی زن	اشتراکی و برابر بین زن و مرد
حقوق غیراقتصادی زن	متناسب با نقش زن در خانواده	متناسب با فردیت زن

### نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا جایگاه و حقوق زن در دو نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و کانادا با نگاهی تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا سؤال اصلی مقاله بدین ترتیب بود که: در دو گفتمان حقوقی ایران و کانادا زن دارای چه جایگاه و حقوقی در خانواده است؟. در مقام پاسخ به این سؤال و با ابتدا بر بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله باید گفت دو گفتمان حقوقی اسلامی و غربی در باب حقوق زن دارای تفاوت‌های مبنایی هستند. زن در گفتمان اسلامی به دلیل انتظارات و تکالیفی که در قالب ساخت خانواده از آن انتظار می‌رود، دارای شأن زیادی است. متعاقب نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر فقه امامیه و آموزه‌های اسلامی است، با رویکردی خانواده‌محور و با اتخاذ گفتمان تناسب حقوقی را برای زن در خانواده در نظر گرفته است. این حقوق

همگی در راستای نقش زن به عنوان رکن اساسی خانواده می باشد. در مقابل اما نظام حقوقی کانادایی متأثر از آموزه‌های فردگرایی و آزادی‌خواهی و مادی‌گرایی و فمینیستی تلاش کرده است تا با اخذ رویکردی فرودستانه و تشابه‌ساز، حقوق و جایگاه زن را به مانند مرد در خانواده تنظیم نماید. از این منظر حقوق اقتصادی و غیراقتصادی زن بدون تفاوت در نقش و مسئولیت زن و مرد در چارچوب خانواده، به طور کاملاً برابر ترسیم و تدوین شده است. در این نظام خانواده محصول یک انتخاب کاملاً زیستی بوده که می‌تواند هر زمانی با خواست یک یا هر دو زوجین آغاز شده و پایان پذیرد؛ در باب حقوق اقتصادی در نظام حقوقی ایران، مرد مسئولیت تأمین و تحقق حقوق اقتصادی زن بر عهده دارد و به همین منظور مدل‌های گوناگونی (مهریه، نفقه، ...) را بر مرد تحمیل می‌کند تا زمینه‌ی انسان‌سازی و اداره خانواده توسط زن فراهم گردد. به همین منظور است که نظام مالی خانواده در نظام حقوقی ایران مبتنی بر نظام استقلال مالی است؛ اما از در نظام حقوقی کانادا این نظم مالی مبتنی بر اشتراک اموال و دارایی توسط زن و مرد است؛ زیرا هر کدام به طور یکسانی نقش تأمین اقتصادی خانواده را عهده دار است؛ و طبق همین رویه اشتراکی است که می‌توانند مدل‌های متعدد نظام مالی خانواده را انتخاب نمایند. در باب حقوق غیراقتصادی زن نیز باید گفت نظام حقوقی در ایران تلاش کرده است تا حقوق زن و آزادی‌های مشروع و قانونی زن در برابر مرد حفظ شود. به همین منظور حقوق دهگانه‌ای را در قوانین مدنی و خانواده خود برای زنان در نظر گرفته است تا تضمینی برای احقاق حقوق آنها باشد. همچنین این حقوق تضمین‌کننده ایفای نقش فعال زن در انجام تکالیف مورد انتظار از وی در خانواده است؛ این بدین معناست که دو گانه‌ی حق/تکلیف از سوی شارع و قانون‌گذار توأمان دیده شده است؛ بدین ترتیب که اگر حقوقی برای زن در خانواده در نظر گرفته شده است به منظور انجام تکالیفی است که از وی خواسته شده است؛ و این دو گانه براساس نیاز فطری انسان به تشکیل خانواده و نقش فعالانه زن و مرد برای ارتقا و تعالی این نهاد اجتماعی بوده است. اما حقوق غیراقتصادی زن در کانادا که در چنبره سیستم نانوشته کامن‌لا و مبتنی بر اقتضائات موضوعی در دادگاه‌ها تدوین شده است، با ابتنا بر زنانگی و رعایت عدالت جنسیتی تنظیم شده است تا تضمینی برای حفظ فردیت و آزادی زن در عرصه‌های متعدد فردی و عمومی وی باشد. لذا در این سیستم به دلیل ابتنا بر فردیت و آزادی زن در تنظیم حقوق و جایگاه وی، مفهوم خانواده معنای شرقی و اسلامی خود را نداشته و صرفاً یک قرارداد بین فردی است که طی یک فرایند تاریخی در جامعه شکل گرفته و روز به روز از به نفع مطالبات فمینیستی به حاشیه می‌رود و شکل هسته‌ای به

خود می‌گیرد. در ادامه می‌توان در قالب جدول ذیل به مهم‌ترین تفاوت‌های این دو گفتمان حقوقی پرداخت.

## منابع و مآخذ:

- مروتی، حمیدرضا، منصور، سعید؛ شمس، احمد (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی گفت‌مانهای نظام حقوقی زن در ج.ا. ایران و سوئد»، **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۲۶۵-۲۸۴.
- ممنشور حقوق و مسؤلیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران**، ۱۳۸۳
- میلز، سارا (۱۳۸۸). **گفت‌مان**، ترجمه فلاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم
- یآوری، فتح‌الله (۱۳۸۱). «نقش دادگاه اختصاصی خانواده در تحکیم بنیان خانواده»، **فصلنامه ندای صادق**، شماره ۲۵، صص ۷۳-۸۶
- منابع انگلیسی
- Civil Marriage Act, 2023
- Federal gender equality laws in Canada, 2022
- Government of Canada, 2017
- Griffiths, Anne (2001). "Review: Remaking Law: Gender, Ethnography, and Legal Discourse", **Law & Society Review**, Vol. 35, No. 2, pp. 495-509.
- Johnson, W. Susan (2017). "Family matters: justice hender and female litigant success in family law cases in the Supreme Court of Canada". **The justice System Journal**, Vol. 38, No. 4, pp. 332-347.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۲). **زن در آینه جلال و جمال**، قم: نشر اسراء
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). **اسلام سیاسی در ایران**، قم: دانشگاه مفید
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). **حقوق زن و خانواده**، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی
- خیمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). **رساله توضیح المسائل**، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۲۰ق). **المسائل المنتخبیه**، قم: مکتب آیت الله العظمی روحانی
- روزنامه رسمی، شماره ۱۳۹۱۴
- زحیلی، وهبه (۱۳۸۲). **احکام، آداب، حقوق و مسؤلیتها: فقه خانواده در جهان معاصر**، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، قم: نشر احسان
- زین‌الدین، فاطمه؛ رضوی، سیدمحمدحسن (۱۳۹۹). «بررسی الزامات ورود نظام اشتراک اموال به ساختار نظام مالی خانواده در حقوق ایران با نگاه به حقوق استان کبک/کانادا»، **فصلنامه خانواده پژوهی**، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۲۴-۷.
- صفایی، سیدحسین (۱۴۰۱). **حقوق مدنی اشخاص و محجورین**، تهران: سمت
- صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۴۰۱). **مختصر حقوق خانواده**، چاپ ۵۶، تهران: میزان
- عباسی، داود؛ رمضان، شیرین (۱۴۰۰). «حقوق غیرمالی زن در نظام حقوقی ایران و هم‌خوانی آن با اسناد بین‌المللی»، **فصلنامه فقه و حقوق نوین**، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۱-۴۸.
- عقیقی، عبدالمجید (۱۳۹۱). **مجموعه قوانین اساسی کانادا** (فارسی - انگلیسی)، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ ۱۳۹۶
- قانون اساسی کانادا**، مصوب ۱۸۶۷
- قانون مدنی**، شماره ۱۱۴۶
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). **حقوق مدنی: خانواده** (دو جلدی)، چاپ ششم، تهران: گنج دانش
- کافی، هادی (۱۴۰۰). «گفت‌مان خانواده: ضرورتها و بایسته‌ها»، **دوماهنامه حورا**، شماره چهل و دوم، صص ۳-۱۸.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). **جنگ علیه خانواده**، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات زنان
- گواهی، زهرا؛ هزبری، نسرتین (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی نفقه زن در حقوق ایران، انگلیس و امریکا»، **دوفصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده** (ندای صادق)، سال نوزدهم، شماره ۶۱، صص ۲۱-۴۴